

## اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

و دروغ‌سازی علیه حزب توده ایران و دیگر نیروهای انقلابی و دمکراتیک هستند.

خبری که این روزها از جانب مقامات امنیتی رژیم پخش شد، آخرین نمونه این تلاش‌های کمونیسم ستیزانه است. در این خبر گفته میشود که در خراسان ۲۰۰ تن از اعضای سازمان پرادر ما، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، و یک توده‌ای دستگیر شده‌اند و همه اعتراف کرده‌اند، که گویا در خارج دوره دیده و برای "خراپکاری" بداخل کشور فرستاده شده‌اند.

باید گفت تنها رژیمی که کارش به درماندگی علاج ناپذیر کشیده باشد، برای انحراف افکار عمومی و بقیه در ص ۲

این روزها رژیم واپسگرای جمهوری اسلامی، که از یکسو هر چه پیشترطم ناکامیهای گوناگون را در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی-ایدئولوژیک می‌چشد و از سوی دیگر شاهد رشد روزافزون جنبش مقاومت مردم در داخل کشور است و نقش چشمگیر حزب توده ایران و دیگر نیروهای انقلابی و دمکراتیک را در سازماندهی این جنبش پهنوی احساس می‌کند، یاردیگر دست به چنگ روانی-تلهیغاتی لجام گسیخته ضدکمونیستی زده است. در این راه، رژیم از تمام امکانات خود استفاده می‌کند. در داخل و خارج از کشور، در زندانها و بیرون از زندانها و در رسانه‌های گروهی، عوامل آشکار و نهان رژیم سرگرم شایعه‌پراکنی، اتهام‌زنی



شماره ۲۰۶ دوره هشتم  
سال چهارم سه شنبه ۱۳۶۷/۲/۲۰  
سها ۲۰ ریال

## جنگ بر سر تقسیم کرسی‌های مجلس

اما تحریم انتخابات از سوی مخالفان رژیم بدین معنا نبود، که بر سر تقسیم کرسی‌های مجلس میان جناح‌های حاکمیت کشمکش روی نخواهد داد بخصوص در شرایطی، که خمینی بعزت کبر سن نقش فعال خود را روز بروز بیشتر از دست می‌دهد و حذف او از صحنه سیاست، به احتمال زیاد با تضعیف جدی مواضع روحانیت بمثابه یک صنف همراه خواهد بود. داشتن جای مستحکم در مجلس برای هر یک از جناحها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

اکنون وضع در جامعه روحانیت به گونه‌ایست که نمی‌توان با دقت تعیین کرد که روحانیون به چند دسته تقسیم شده‌اند. رئیس جمهور و رئیس مجلس، که هر دو خود را "طلبه" می‌دانند، نتوانستند مانند دو "درویش" در کلمه حزب جمهوری اسلامی "بخسیند" و با درگیریهایی پایان خود آثرا به تعطیل کشانند. "جامعه روحانیت مبارز تهران" در آستانه "انتخابات" دچار انشعاب شده و گروهی زیر عنوان "روحانیون مبارز تهران" از درون آن بیرون آمدند. اینک خویشی‌ها و کروی و برخی همفکرانشان در یکسو هستند و بقیه در ص ۲

دور اول "انتخابات" به پایان رسید. ولی "دور اول" کشمکش‌های رسوا کننده پیرامون انتخابات میان گردانندگان رژیم "ولایت فقیه" و بویژه روحانیون طراز اول، با القاب "حجت الاسلام" و "آیت الله"، که یکدیگر را بحق، به تقلب و حقه‌بازی متهم می‌کنند، هنوز پایان نیافته است.

نیروهای سیاسی مخالف رژیم در مورد "انتخابات" اخیر موضع روشنی داشتند و آثرا تحریم کردند. آنچه که اکثریت مردم ما نمی‌خواهند مجموعه نظام "حاکمیت مطلقه" ولی فقیه "با همه نهادهایش، اعم از مقننه، قضائیه و مجریه است.

ما در شماره‌های گذشته، با تکیه بر ارقام منتشر شده در رسانه‌های گروهی رژیم نشان دادیم، که مردم بازی تهوع انگیز "انتخابات" را جدی نگرفتند. چرا که وجود حدود ۱۶ میلیون رأی در صندوقها، آنها در شرایط تقلب و تزویر و تهدید و خفقان و همچنین وابسته کردن دریافت کوبن ارزاق و مایحتاج ضروری زندگی به داشتن مهر شرکت در انتخابات در شناسنامه‌ها، حاکی از استقبال مردم نیست.

## اول ماه مه در جمهوری اسلامی

بیکمان گردانندگان رژیم "ولایت فقیه" اصولاً به برادری میان زحمتکشان سراسر جهان اعتماد ندارند، چرا که بزعم آنان تنها "مؤمنین" چه میلیاردر باشند و چه در فقر مطلق بسر برند، "برادر" یکدیگرند.

بقیه در ص ۲

پیرامون برگزاری روز همبستگی رزمی کارگران سراسر جهان گزارش کوتاهی در همین شماره "نامه مردم" چاپ شده است. حال ببینیم آیا در کشور ما هم چنین امکاناتی برای کارگران زحمتکشان وجود داشت؟ جمهوری اسلامی، همانگونه که می‌کوشد جشن باستانی نوروز را که سده‌ها پیش از پیدایش اسلام وجود داشته، از محتوای ایرایش تهی سازد و به آن مصنوعاً رنگ مذهبی بزند، در مورد اول ماه مه هم چون قادر نیست مانع از برگزاری آن و بروز همبستگی طبقاتی میان کارگران ایران با کارگران سراسر جهان شود، رباکارانه تلاش می‌کند آثرا به بهانه‌های مختلف دور بزند.

## ماجراجویی

### به بهانه نامین کشتیرانی آزاد

در هفته‌های اخیر، در ارتباط با وضع در خلیج فارس، از سوی محافل حاکمه آمریکا و جمهوری اسلامی تصمیمات و مواضع گریزناک تهدیدآمیز متقابلی اتخاذ و اعلام شده است، که نمی‌توان از آنها سرری گذاشت.

در پی حمله آمریکا به سکوها نفتی ایران و به اجرا آمدن یک رشته عملیات تلافی جویانه، از جمله حمله به کشتی‌های دیگر کشورها از سوی ایران، مقامات آمریکایی اعلام داشتند، که از این پس نه تنها کشتی‌هایی، که زیر پرچم آمریکا در خلیج فارس در حال رفت و آمدند، بلکه همه کشتی‌های بازرگانی "بیطرف" را "تحت حمایت" خود قرار خواهند داد. روز ۲۲ آوریل (۲ اردیبهشت) فرانک کارلوچی، وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا، اعلام داشت، که بنابه دستور رئیس جمهور یگانهای دریایی آمریکا، به هنگام وقوع تصادمات در خلیج فارس، بیدرتک وارد عمل خواهند شد. هفته گذشته نیز دان هوارد، سخنگوی "پنتاگون" (حتماً برای نشان دادن موضع "بیطرفانه" امپریالیسم آمریکا" در جنگ ایران و عراق) اعلام داشت که "نظم نوین" برای ایران و عراق بیکسان به مورد اجرا گذاشته می‌شود.

از سوی دیگر، سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی، در پی حمله آمریکا به سکوها نفتی ضمن سازماندهی تبلیغات پر دامنه پیرامون "در جنگ بودن با آمریکا" و دمیدن در بوق ادامه جنگ و همچنین اعزام نیرو به جبهه‌ها، به تهدیدات جدیدی متوسل شدند.

خامنه‌ای، رئیس جمهور و رئیس شورای عالی دفاع، در خطبه‌های نماز جمعه اعلام داشت:

"اگر ضربات رزمندگان ما بر آمریکایی در پی وارد آید چگونه از صحنه می‌تواند بگریزد؟ اگر ضربات ما متوالی شود، آمریکا به جنگ طولانی کشیده خواهد شد..." (اطلاعات ۶۷/۲/۲)

رفسنجانی، رئیس مجلس، نیز از پشت تریبون مجلس گفت:

بقیه در ص ۲

### در مشقات

\* برافروزننده بزرگ آتش امیدورانی

در ص ۵

\* عاشق سوسیالیسم، عاشق صادق آن

در ص ۴

## برقرار باد "جبهه آزادی و صلح"؛ سرنگون باد رژیم "ولایت فقیه"!



## جنگ بر سر تقسیم . . .

مهدوی کنی و یزدی و غیره در سوی دیگر. منتظری، قائم مقام خمینی با هیچیک از این گروه‌ها مانگی کامل ندارد. "فقهای شورای نگهبان"، که منتصب خمینی هستند همه "فقهای مجلس" را صالح حساب نمی‌کنند و "فقهای مجلس"، همه "فقهای شورای نگهبان" را. آذری قمی و دار و دسته "رسالت" آشکارا خواهان تسلط سرمایه‌داران بر شئون اقتصادی کشور هستند و بالاخره در اینجا و آنجا شاید عناصر صادقی باشند که شاید هنوز به "سینه زنی" های گامگاهی خمینی برای "مستضعفان" باور دارند. اما در مجموع باید گفت که درگیری میان جناحهای مختلف حاکمیت بر پایه "ایدئولوژی و دیدگاههای اصولی مختلف نیست و عملکرد آنها در عمده‌ترین زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی تقریباً یکسان است.

در جریان "انتخابات" میان همه این گروه‌ها جنگ مغلوبه بود اما طرفین اصلی درگیری در "سنکر" اجرائی انتخابات، یعنی در وزارت کشور و شورای نگهبان جای داشتند.

به هنگام تدارک و برگزاری "انتخابات"، وزارت کشور تا آنجا که توانست شورای نگهبان را در تنگنا گذاشت و در تمام مراحل نقش اصلی را خود به عهده گرفت. "هیئت‌های اجرایی" وزارت کشور، تصمیمات "هیئت‌های نظارت" شورای نگهبان را نادیده می‌گرفتند و بر عکس در بسیاری جاها "هیئت‌های اجرایی" صلاحیت کاندیداهایی را تأیید کردند، که "هیئت‌های نظارت" آنان را ناصالح تشخیص داده بودند، بطوریکه شورای نگهبان مجبور شد اعلام کند، که هیچ کاندیدایی پیش از اینکه صلاحیتش مورد تأیید هیئت‌های نظارت قرار گرفته باشد حق شرکت در انتخابات را ندارد و آرابی که به نام او ریخته شود باطل است. در مواردی هم از جمله در مورد "ناصرالح" تشخیص دادن فواد کربیی، میان فرماندار محل بعنوان نماینده وزارت کشور و "هیئت نظارت" بعنوان نماینده شورای نگهبان توافق وجود داشت.

چهارشنبه سی و یکم فروردین ماه "اطلاعات" متن گفتگوی خبرنگار خود با محتشمی، وزیر کشور، را منتشر کرد. در این گفتگو وزیر کشور "علت تأخیر اعلام اسمی نمایندگان تهران از سوی هیئت نظارت بر انتخابات شورای نگهبان" را توضیح داد:

"هیئت نظارت تهران بر خلاف نظر حضرت امام و نظر قانون که خواستار بی‌طرفی وزارت کشور و شورای نگهبان به این سمت و یا آن سمت شده، جهت گیری خاصی کرده و تمام تلاش خویش را به علاوه اختیاراتی که قانون نظارت بر انتخابات بدست آن داده است، به نفع جناح خاصی بکار گرفته است. در حالیکه با کمال تأسف باید عرض کنم که این خواسته اعضای هیئت نظارت تهران بر خلاف صریح قانون و سنت برگزاری انتخابات و تأکیدات همیشه امام امت است". سپس وزیر کشور موضع "هیئت نظارت تهران" را اینگونه ارزیابی می‌کند: "چنانچه ارکان و یا مجموعه‌ای که اختیارات قانونی دارد بخواهد رأی سالم و کامل مردم را باطل کند تا جریان خاصی بر خلاف مسیر قانونی امکان یابد تا در وضعیت بهتری قرار گیرد خیانت به اسلام و انقلاب و خون شهدا خواهد بود".

## اطلاعیه دبیرخانه کمیته . . .

همچنین در تلاش برای ادامه حیات نتگین خود به چنین کارزارها و دروغ‌های پیش پا افتاده متوسل می‌شود. حاکمیت جمهوری اسلامی در این زمینه هم مصدر هیچگونه نوآوری نیست، چه رژیمهای دیکتاتوری، از جمله رژیم شاه نیز، برای پوشاندن عجز خود در برابر خروش و خیزش خلق بارها به انقلابیون لقب "خرابکار" داده‌اند و می‌دهند.

حزب توده ایران یک حزب جدی سیاسی است، که دیدگاهها و برنامه خود را آشکارا در معرض افکار عمومی مردم ایران قرار داده است و در این راستا عمل می‌کند. حزب توده ایران در سراسر زندگی پر فراز و نشیب خود همواره، در انطباق با شرایط حاکم بر جامعه، اصولی‌ترین شیوه‌های مبارزه را بکار گرفته است و هیچگاه مانند رژیم "ولایت فقیه" نیازی به تربیت و اعزام "خرابکار" ندیده و نمی‌بیند. حزب ما برخاسته از خلق و متکی به آن است و در فعالیت انقلابی خود از نیرو و امیال خلق توان می‌گیرد.

ما همچنین می‌دانیم، که سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز در چارچوب برنامه اصولی مبارزاتی خود بیکار می‌کند و میان شیوه‌های مبارزاتی این سازمان و "خرابکاری" مورد ادعای رژیم فصل مشترکی نمی‌توان یافت. بی‌دلیل نیست، که رفقای سازمان برادر بیدرتنگ به تکذیب این اتهام پرداختند.

ما هم ضمن تکذیب رسمی بواه گویی‌های رژیم پیرامون اعزام "خرابکار" از خارج، که از جمله برای توجیه سیاست کمونیسم ستیزی و تلاش در راه برون رفت از انزوای فزاینده در میان توده‌های مردم بکار گرفته می‌شود، بار دیگر خاطرنشان می‌سازیم، که این برچسب زنی‌ها و دروغ‌سازیه‌ها را بجایی نخواهد برد و جنگ روانی-تبلیغاتی رژیم و ابادیش جز رسوایی باز هم بیشتر برایشان چیزی بیار نخواهد آورد.

## دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

"هیئت نظارت" از ۲۶۰۰ صندوق تهران، آرا موجود در ۲۰۰ صندوق را تقلبی می‌داند و قصد دارد با باز شاری و کنترل آرا آنها را باطل کند. به زبان ساده "هیئت نظارت" معتقد است که "حجت الاسلام والمسلمین" محتشمی که ادعای برگزاری "بهترین و سالم‌ترین انتخابات" در سطح کشور را دارد، آرا تقلبی به صندوقها ریخته است. وزیر کشور هم از سوی خود معتمدان "فقهای شورای نگهبان" - حافظ شرع اسلام - رابه "خیانت به اسلام و انقلاب و خون شهدا" متهم می‌کند.

و بیگمان هر دو طرف هم راست می‌گویند و هم دروغ. هر یک از آنان ضمن اینکه موافق بوده‌اند مثلاً "ناصرالح" ها از لیست کاندیدها حذف شوند، کوشیده‌اند، "اصالح" های خود را با دوز و کلک از صندوقها بیرون بیاورند.

باید از "حجت الاسلام والمسلمین" وزیر کشور و "آیت الله" های عضو فقهای شورای نگهبان سیاستزاد بود که ضمن دعوا بر سر تقسیم غنائم، نقاب از چهره یکدیگر بر می‌دارند و چهره واقعی گردانندگان رژیم "ولایت فقیه" را به مردم ایران نشان می‌دهند.

## ماجراجویی به بهانه . . .

"... حق مقابله به مثل (را) ما برای خودمان در هر حال محفوظ می‌داریم و این آمریکان نیست، که منطقه درگیری را تعیین می‌کند. بعد از این اگر حادثی در خلیج فارس اتفاق بیافتد، صحنه درگیری منحصر به خلیج فارس نیست..." (صدای ج.ا. ۱۰/۲/۶۷).

در این زمینه، آوازه‌گران و قلم بدستان تبلیغگر سیاست رژیم هم چه حنجره‌ها ندریدند و چه کاغذها سیاه نکردند. مثلاً مفسر روزنامه "اطلاعات" نوشت که "... باید کاخ سفید بدانند که ... شروع جنگ در دست آمریکا است، ولی خاتمه آن را جمهوری اسلامی ایران تعیین خواهد کرد" (اطلاعات ۶۷/۲/۲). بنظر ما، در حال حاضر، با توجه به اوضاع فوق‌العاده پیچیده، پرتشنج و بحرانی موجود در منطقه، وزن و اهمیت این تهدیدات را تنها نه با درجه معین جدیت و پشتوانه واقعی و عملی‌شان باید سنجید، بلکه میزان بهره‌برداری‌ای، که بالقوه می‌شود از آنها بعمل آورد، را نیز باید مورد ارزیابی دقیق و همه جانبه قرار داد. در شرایطی ما از موضعگیریهای غیر مسئولانه محافل حاکمه آمریکا و سران مرتجع و جنگ طلب جمهوری اسلامی عمیقاً ابراز تکرانی می‌کنیم که چه بسا یک عامل حادثه‌ساز یا عنصر پیش بینی نشده در این روند می‌تواند فاجعه آفرین باشد.

واقعیت آنست که صلح و امنیت منطقه و استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشورهای حوضه خلیج فارس با آینده تحولات جاری در ارتباط با جنگ ایران و عراق و نیز مواضع امپریالیسم جهانی، بر کردگی امپریالیسم آمریکا، و ارتجاع پیوند ناگسستنی دارد. همچنین آشکار است که امپریالیسم آمریکا با اعلام تصمیم خود مبنی بر گسترش دایره عملیات نیروهای نظامی - دریایی خویش در آبهای خلیج فارس، عملاً نه در راستای تأمین امنیت برای کشمیر و نه آنگونه که نظریه پردازان رژیم ج.ا. تبلیغ می‌کنند برای "تحمیل صلح"، بلکه در راه وسعت بخشیدن به دخالتهای توطئه‌گرانه و تجاوزکارانه اش در امور منطقه کام بر می‌دارد.

در شرایطی که امپریالیسم، با بهره‌برداری از زمینه‌های مساعد در سیاست و عملکرد و موضعگیریهای ایران و عراق، از جمله سیاست "صدور انقلاب" و "جنگ جنگ تا پیروزی" سران مرتجع و جنگ طلب جمهوری اسلامی، به اشکال و وسایل گوناگون عملاً به جنگ دامن می‌زند، ما میان مبارزه در راه پایان دادن به جنگ و مبارزه علیه دسیسه‌پردازیهایی امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه برای ادامه آن، پیوند منطقی و سرشتی قائل هستیم.

بدون خروج ناوگانهای نظامی بیگانه از آبهای خلیج فارس و خاموش شدن شعله‌های آتش جنگ ایران و عراق، منطقه خلیج فارس رنگ صلح و آرامش را بخود نخواهد دید.



## دیدار

## نمایندگان "کمیسیون ارتباطات سندیکایی ایران" با رهبران سندیکایی فلسطینی و اسرائیلی

رهبران سندیکایی فلسطینی و اسرائیلی چندی پیش یک دیدار مشترک را در محل "کنفدراسیون عمومی کار-ث.ژ.ت." در فرانسه ترتیب دادند. در این دیدار نمایندگان و هیئت های نمایندگی سندیکاهای کشورهای گوناگون حضور داشتند که هیئت نمایندگی "کمیسیون ارتباطات سندیکایی کارگران ایران نیز در میانشان بود.

رهبران سندیکایی اسرائیل و کرانه غربی رود اردن در این دیدار افکار عمومی را مشترکاً در جریان آخرین تحولات و واقعیات گفته شده در رسانه های گروهی جهان قرار دادند. در کنفرانس مطبوعاتی که به همین مناسبت در پاریس تشکیل شد، علی حمود عضو هیئت اجرایی اتحادیه سندیکاهای کرانه غربی رود اردن با تشریح چنایات رژیم صهیونیستی اسرائیل علیه قیام مردم فلسطین بر ابعاد وسیع مبارزی همه نیروهای ملی، میهنی و دمکراتیک فلسطینی در مقابله با تجاوزات و چنایات اسرائیل و هر عزم راسخ فلسطینیان در تشکیل دولت مستقل فلسطینی در سرزمین های اشغالی تاکید کرد.

بنیامین گورن نماینده جبهه دمکراتیک برای صلح و برابری در "هیستادروت - سندیکای واحد اسرائیل" نیز تلاش فعال "جبهه دمکراتیک" جهت سازماندهی حمایت مادی و معنوی زحماتشان اسرائیلی از کارگران فلسطینی را خاطرنشان ساخت و یکبار دیگر تشکیل دولت مستقل فلسطینی در کنار اسرائیل را بعنوان یگانه راه برقراری امنیت و صلح در منطقه مورد تاکید قرار داد.

در دیداری که پین هیئت نمایندگی جبهه برای صلح و برابری، اتحادیه سندیکاهای کرانه غربی رود اردن و "کمیسیون ارتباطات سندیکایی کارگران ایران" بعمل آمد، طرفین در زمینه قیام مردم پیاخسته فلسطین، اوضاع خاورمیانه و جنگ ایران و عراق به تبادل نظر پرداختند. "کمیسیون ارتباطات سندیکایی کارگران ایران" به همین مناسبت بیانیه ای صادر کرد. بیانیه با اشاره به چنایات رژیم اسرائیل علیه مهارزات برحق مردم فلسطین، بر نقش عمده کارگران و جنبش سندیکایی بعنوان نیروئی تعیین کننده در این رژیم قهرمانانه تاکید می ورزد.

در بیانیه "کمیسیون ارتباطات سندیکایی ... همچنین نمایندگان نیروهای پیشرو اسرائیلی و فلسطینی بعنوان پیام آوران همبستگی و برادری دو ملت مخاطب قرار می گیرند و ضمن محکوم شدن چنایات سران اسرائیل، همبستگی کارگران و ملت ایران با رژیم قهرمانانه خلق فلسطین را ردیکر مورد تاکید قرار می گیرد. بیانیه ضمن اشاره به فراخوان یاسر عرفات خطاب به رهبران و روحانیون ایران برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل و نیز گفته وی مبنی بر اینکه "با ادامه جنگ تنها مسئله فلسطین و اماکن مقدسه در فلسطین هستند که ضرر

## اول ماه مه در جمهوری . . .

از این روست که نام "روز همبستگی رزمی کارگران سراسر جهان" را گذاشته اند "روز جهانی کارگر" و در مراسم تجلیلی آن از یگانه چیزی که نام برده نمی شود همانا منافع مشترک همه\* فروشندگان نیروی کار در همه\* کشورهای روی زمین در مبارزه علیه بهره کشی سرمایه داری است که در شعار "پرولت های همه\* کشورها متحد شوید" تجلی می یابد.

هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه به "روز جهانی کارگر" اشاره کرد و مدعی شد که "در جمهوری اسلامی اقدامات زیادی برای احقاق حق کارگران انجام گرفته است که آخرین آنها قانون کار بود که تصویب شد و با اصلاحاتی ابلاغ خواهد شد". البته آقای رئیس مجلس دروغ می گوید. اولاً در جمهوری اسلامی تا بحال هیچ کاری برای کارگران انجام نگرفته و ثانیاً همه\* دستاوردهایی هم که کارگران در مبارزات طولانی به کف آورده بودند و از جمله حق تشکیل سندیکاهای کارگری، پس از تسلط "حاکمیت مطلقه\* ولی فقیه" بطور کامل پایمال گردیده است.

وزیر کار هم در "انشای" دبیرستانی خود که برای "روز کارگر" نوشته بود تمام مسائل مبرم کارگری را نادیده گرفت و تنها به این مسئله پرداخت که، امروز تمامی قدرتهای استعمارگر، مخصوصاً شیطان بزرگ، که خود را به ناحق حاکم بر سرنوشته ملتهای مظلوم می دانند، بیش از پیش از حضور استوارج. ا.ا. احساس خطر کرده اند و در پی یافتن بهانه ای برای مقابله\* مستقیم با ملت پیاخسته\* ما می باشند....

یعنی کارگران باید راهی جبهه های جنگ بی بازگشت شوند تا "انقلاب" به عراق صادر شود. از دنباله\* انشای وزیر کار چنین بر می آید که گویا کارگر سراسر جهان اسیر زنجیرهای ظلم و ستم هستند و اگر کارگران آزاد شده از ظلم ایران بلندتر فریاد بکشند، "کارگران و محرومان جهان را بیدارتر خواهند کرد تا شاید آنان نیز کمر همت ببرند و با استقامت و پایداری زنجیرهای ظلم و می پینند"، با شعار "زنده باد همبستگی میان خلق های خاور میانه و از آن جمله خلق های فلسطین و اسرائیل" پایان می رسد.

هیئت های نمایندگی اسرائیلی و فلسطینی پیام های زیر را در باره جنگ ایران و عراق صادر کردند:

- پیام هیئت نمایندگی "جبهه دمکراتیک برای صلح و برابری" در "هیستادروت"

هیئت نمایندگی ما برای مهارزه نیروهای مترقی و دمکراتیک ایران بمنظور پایان بخشیدن به خونریزی هایی که تنها پسود امپریالیسم و عاالش در منطقه تمام می شود، ارزش فراوان قائل است.

ما اجرای قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد، که طرفین درگیر را به قطع جنگ دعوت می کند، مصرأ خواستاریم. هیئت نمایندگی ما از اپراژ همبستگی "کمیسیون ارتباطات سندیکایی کارگران ایران" با مهارزه ما در جهت حل عادلانه بحران خاور میانه از راه ایجاد یک دولت مستقل فلسطینی در کنار دولت اسرائیل

ستم را از دست و پای خود بکشایند" او بر سرشان همان آید که بر سر کارگران ایران آمده است یعنی ۵ میلیون بیکار، باز خریدهای اجباری، نبود تأمین اجتماعی، وضع رقت بار مسکن، کمبودهای بهداشتی و درمانی، ناکافی بودن دستمزدها و حقوقها، پایمال شدن آزادیهای سندیکائی و اجتماعی و همه\* آن چیزهایی که دست و پای کارگران ایرانی را اسیر غل و زنجیر رژیم "ولایت فقیه" کرده است.

اگر رفسنجانی لااقل رباکارانه کوشید، مژده بدهد که قانون کار "تصویب شده" با "اصلاحاتی" و البته به سود کارفرمایان، ابلاغ خواهد شد، وزیر کار حتی یک کلمه هم به مسائل کارگری اشاره نکرد. در روز اول ماه مه در پنج کارخانه\* تهران برای کارگران مناطق مختلف شهر مراسمی فرمایشی را سازمان داده بودند، که در آنها کارگران "... آمادگی خود را برای حضور در جبهه های جنگ و تلاش هر چه بیشتر در کارگاهها و واحدهای تولیدی برای تولید بیشتر و قطع وابستگی اقتصادی (و افزودن بر ثروت های بادآورد سرمایه داران!) اعلام کردند".

در کارخانه\* پارس الکتریک نماینده\* کانون شوراهای اسلامی کارگران "به مقابله\* شرایط کار در ج.ا.ا." و "کشورهای بلوک غرب و شرق" پرداخت و کشف کرد که: "با توجه به اهمیتی که اسلام برای کارگران قائل است، کارگران ایران در نزد رهبران و مسئولان کشورمان از مقام و ارزش والاتری برخوردار هستند... و خلاصه وضعیتشان از همه\* کارگران جهان بهتر است!

و بدین ترتیب بدون اینکه به نمایندگان واقعی کارگران فرصتی داده شود تا دردهای هم زنجیران خود را بیان کنند مراسم روز همبستگی رزمی کارگران سراسر جهان با دعای "خدایا، خدایا، تا انقلاب مهدی... به پایان رسید!

اما، علیرغم تلاشهای منحرف کننده\* رژیم، دهها هزار کارگر آگاه ایرانی، به اشکال گوناگون، جشن همبستگی رزمی کارگران سراسر جهان را جشن گرفتند و تصمیم خود را به ادامه\* مبارزه علیه رژیم واپسگرای جمهوری اسلامی، که حامی غارتگران اجتماعی است، ابراز داشتند.

سیاسگزار می کند.

- پیام "اتحادیه عمومی سندیکاهای کارگران کرانه غربی رود اردن"

هیئت نمایندگی ما در جریان نشست مورخ ۸ آوریل ۱۹۸۸ با نمایندگان "کمیسیون ارتباطات سندیکایی کارگران ایران" به پیام همبستگی "کمیسیون ارتباطات" در رابطه با قیام مردمی در سرزمین های اشغالی گوش فراداد. ما اعلام می داریم: پایان این جنگ چنایتکارانه که توسط دو رژیم (ایران و عراق) در جهت منافع نیروهای امپریالیستی ادامه می یابد، پسود دو خلق ایران و عراق نیست. ما خاتمه جنگ را همچنین از این جهت خواهانیم، که قطع این جنگ به پیشبرد منافع ملی خلق فلسطین کمک خواهد رساند.

هیئت نمایندگی ما حمایت خود را از رژیم نیروهای دمکراتیک و جنبش سندیکایی ایران بمنظور رهایی از یوغ رژیم تاریک اندیش در این کشور و برای آینده ای درخشان و دمکراتیک اعلام می دارد.



## عاشق سوسیالیسم، عاشق صادق آن

## روزبه



خون به کاکلی می‌خرامد  
در چمنزاران آتش  
مرد میدان

مرد افسانه

سیاوش

برگ و بارش مهربانی  
روزگارش داستانی  
از تبارش می‌گریزد

مرد آتش

بی‌غلی و غش

روزبه، روزش به از به  
رو به میدانی پر از خوکان فریه  
می‌رود با مردمانش  
توده‌های همزبانش  
تا فرود آرد چو آرش  
سرد و سنگین  
نیزه بر مرز زمانش

بادهایش می‌ریابد

خار و خس

خاشاک و خاکستر

در سرش سودای انسان  
آتشش را شکرتر  
وینچنین مغرور  
می‌شود رویین سرودش

رایتی

جان بخش و مرگ آور

روزبه، روزش به از به  
بسترش رود مداب خلق

بر دیوان دیوان

تا بیفروزی ش خشم اخگر  
فرود آری ش صیقل خورده جان خنجر

جلال سرفراز

که حزب ما به دفاعی روزبه دست یافت و این اسناد تکان‌دهنده در دسترس مردم قرار گرفت، چنلات شعله ور آن به شعارهای رزمی نسل جوان بدل شد.

دفاع قهرمانانه روزبه در بیدادگاه نظامی شاه لرزه بر اندام رژیم منحوس پهلوی انداخت. در حالیکه تمام بلندگوهای تبلیغاتی رژیم شاه در تلاش بودند تا میهن‌پرستی روزبه و دیگر افسران توده‌ای و حزبی را زیر علامت سوال ببرند و به آنها نسبت "خیانت" بدهند، وی با دفاع از عقایدش "دادگاه" را به صحنه محاکمه ارتجاع حاکم بر کشور تبدیل ساخت.

او گفت: "من به عقاید پای بندم. نظرات سیاسی‌ام را مقدس می‌شمارم. به عهد و سوگند خود وفادارم و به امضائی که در زیر آنکت حزب توده ایران کرده‌ام احترام می‌گذارم." او از عقاید سوسیالیستی خود دفاع کرد و اعلام داشت که با تمام عقل و شعور و منطق و درایت خود پرترتی اصول آن (سوسیالیسم) را بر سایر رژیمها احساس کرده‌ام." او از حقوق مردم زحمتکش با شوری تمام دفاع کرد. مهارزات مردم ایران و پویزه چننش دمکراتیک خلقهای آذربایجان و کردستان راستود و آنها را "نهضت میهنی و مترقی و موجب قوام و دوام و بقای آزادی و استقلال ملی" خواند. او حکومت مشروطه را شیرینی‌بال و دم و اشکم نامید و رژیم سلطنتی و بالخاص سلطنت موروثی را مضحک دانست. هیئت حاکمه را بر صندلی اتهام نشاند که حقوق مردم، حقوق زن و مرد، حقوق احزاب و مطبوعات و مصونیت‌های اجتماعی و حقوقی را پایمال و لغو کرده است. او از افسران همروزم خود به دفاع پرداخت و گفت: "اعضا تشکیلات از نخبه افسران و گل‌های سرسهد ارتش بوده‌اند و همه آنان از کسانی بودند که به درستی، پاک، میهن‌پرستی، شرافت، انسان دوستی و پاسوادی شهرت داشتند. دستگیری این افسران موجب تأثر عمیق همدوره‌ها، زبردستان و حتی روسای آنها شد." او امید خود را به سربازان و درجه‌داران و افسران میهن‌پرست بیان کرد و از آنان خواست که مدافع آرمانهای خلق باشند: "من خواهان عظمت و افتخار و سرهلندی کشور عزیزم و رفاه و سعادت هم میهنان گرامی خود هستم و معتقدم که ارتش ایران در تحقق این آرزوه‌ای من می‌تواند نقش اساسی و مهم داشته باشد... ارتش و سایر نیروهای انتظامی باید مدافع کشور و ضامن استقلال و تمامیت آن و عامل تأمین سعادت افراد ملت باشند."

رژیم شاه حکم اعدام روزبه را صادر کرد، همانگونه که خود او پیش‌بینی کرده بود. شاه که از سالها پیش در آرزوی "تقاضای عفو" این سرسخت‌ترین مخالف خود می‌سوخت، برای آخرین بار آزموده، جلاد بیدادگاه نظامی، را بسراغ او

در سال ۱۳۴۹، کمیته مرکزی حزب توده ایران، (۲۰ اردیبهشت، روز شهادت خسرو روزبه، قهرمان ملی ایران را روز دفاع از زندانیان سیاسی تعیین کرد. دیگر بار این روز بزرگ را با یاد رفتاری در بند خود و همه زندانیان سیاسی گرامی می‌داریم و پیمان می‌بندیم که در راه کشودن درهای سیاهاچالها و رهایی فرزندان اسیر خلق یک لحظه از پای ننشینیم.

در تاریخ مهارزات خلقها، قهرمانان چاودیدی به عرصه می‌آیند که در پیکار مقدس خود برای آرمانهای خلق پیوسته به مردم تکیه دارند. قهرمانانی که در لحظات معین تاریخی از ژرفای دریای یخروش خشم و رزم خلقها چون صدق بیرون می‌افتند، پیکار رنج و پیکار و امید خلق خود میشوند، با هر آنچه اهریمنی و زردونی است به ستیزه برمیخیزند و در لحظه ضرور، هنگامی که شهادت یک تن بمعنای پایداری چننش یک خلق است، چنان خویش را نثار می‌کنند. پیاس وفاداری به مردم و ایثار در راه آرمانهای خلق است که مردم به قهرمانان راه رهائی خود زندگی چاودانه می‌بخشند و آنان را پیاس میدارند. خسرو روزبه یکی از این قهرمانان چاودید است. در دورانی که ارتجاع مخوف بر میهن ما چیره و وحشت ویاس بر بسیاری از چانها غالب آمده بود، زمانی که ضعف و ارتداد عده‌ای، ابعاد سرخوردگی و تسلیم را گسترده ساخته بود و غوغای هراسندگان افسون یاس و پدپینی و ناپاوری در گوشها می‌دیدید، روزبه به مثابه یک انقلابی صادق با ایمانی آهنین و روانی زلال، وظیفه خویش را در شرایطی نوین، بدین شکل ترسیم کرد:

"من خوب می‌دانم که ماندن در چنین شرایطی و کار کردن در چنین محیطی تقریباً مساوی با مرگ است... با وجود چنین مخاطراتی روحیه من به من اجازه فرار از خطر را نمی‌دهد... تصمیم دارم در مواجهه با خطر از خود دفاع کنم. این دفاع اگر منجر به نجات من شد چه بهتر و الا با احتمال قوی ممکن است زنده گیر دشمن نیغتم و همین امر در بالا بردن روحیه بچه‌ها تأثیر مثبتی خواهد داشت و از پدپینی آنها همیزان زیادی خواهد کاست. و اگر هم حالت سومی پیش بیاید که به علل فنی زنده دستگیر شوم، یعنی وسیله دفاع من از کار بیفتد و عده‌ای از دشمنان هنوز زنده باشند و دستگیر کنند، در چنین صورتی تصمیم دارم پشت از عقاید دفاع کنم... من وظیفه خود می‌دانم که به قیمت جان خودم این سقوط روحیه را چهران کنم، اگر چنین توفیقی دست دهد" (از نامه به یکی از آشنایان در آستانه دستگیری).

در واقع نیز پایداری و چانه‌ازی روزبه سقوط روحیه‌ها را چهران کرد. مقاومت مسلحانه او در برابر ماموران شاه و اخهار ایستادگی او در برابر شکنجه‌گران برای چانه‌های ملول هوای تازه بود و سطح مقاومت و مهارزه را بالا برد. زمانی



## بمناسبت یکصد و هفتادمین زادروز کارل مارکس

### برافروزنده بزرگ آتش امیدورهای



ارتجاع و دفاع ازستم بورژوازی ناسازگار است، به انسان عطا می‌کند."

جهان بینی و اندیشه‌های مارکس شادابی و شکوفایی شکر فی دارند. هم از این روست که لنین اندرز می‌دهد: "پیوسته با مارکس مشورت کنید!"

آموزش مارکس، مارکسیسم، یک سیستم تفکر علمی، واقعگرا، جانبدار و انقلابی است. مارکسیسم با گوهر پویا و آفرینشگر خود، دشمن بی‌امان جزم گرایی و رهنمون عمل است. با چنین دریافتی، لنین رهرو کامیاب راه مارکس گردید و مارکسیسم را در شرایط تاریخی نوین تکامل بخشید و آثار بر سکوی پله‌ای فراتر نشاند.

امروزه، مارکسیسم - لنینیسم نه تنها یک تئوری علمی، بلکه یک نیروی عظیم مادی نیز بشمار می‌رود - نیروی عظیمی که در قدرت کشورهای جامعه، سوسیالیستی، در سرشت انقلابی و سازماندهی پرولتاریای جهانی، در سیمای فعالیت احزاب کمونیستی و کارگری و در گستره و ژرفای جنبش آزادی بخش ملی تجسم می‌یابد.

در دوران کنونی، در کارزار وسیع ایدئولوژیک میان سوسیالیسم و سرمایه‌داری، امپریالیسم و ارتجاع با یکدیگر نیروی زرادخانه عظیم تبلیغاتی خود از هیچ تلاشی برای تحریف و دگرسان جلوه دادن اندیشه‌های خلاق مارکسیسم کوتاهی نمی‌کنند تا از این راه خاک در چشم توده‌های تحت ستم سرمایه بباشند، دستاوردهای بزرگ پیکار طبقه کارگر جهانی را، که در آمیختگی سرشتی با اندیشه‌های مارکس دارد، زیر علامت پریش نشانند و با بزرگ نمایی خطاها و نارسایی‌های در بسیاری موارد ناگزیر این با آن حزب کمونیست، از "شکست" تئوری مارکسیسم و لزوم "تجدید نظر" در آن داد سخن می‌دهند ولی احزاب کمونیستی و کارگری در سراسر جهان در راه حفظ پاکیزگی تئوری مارکسیستی - لنینیستی و تکامل خلاق آن همخوان با

دانه‌های بلوغ در دل خاک سیاه و سرد می‌فسرد،

چشما کور، گوش‌ها کور می‌ماند،

و ترکه‌های تن در آورد گاه رنج آب می‌شد،

اگر آتش امیدورهای روشن نمی‌شد.

روز ۵ ماه مه (۱۵ اردیبهشت) مصادف با یکصد و هفتادمین زاد روز کارل مارکس، برافروزنده بزرگ "آتش امید و رهایی"، بنیانگذار کمونیسم علمی و رهبر و آموزگار کبیر و سترگ اندیش طبقه کارگر جهانی و زحمتکشان سراسر گیتی است. یکصد و هفتاد سال از تولد بزرگمرد نابغه‌ای می‌گذرد که با اندیشه توانا و جسور خود در برابر فلسفه پیشین که تنها به صورت گوناگون به توضیح جهان می‌پرداختند، بی‌آنکه دریابند مسئله بر سر تغییر آنست، بی‌باخت. مارکس برای تبدیل فلسفه به افزار توانمند دگر سازی جهان بر آن بود، که باید فلسفه پرولتاریا پیوند یابد. چرا که "مغز رهایی انسان، فلسفه است و قلب آن پرولتاریا". او همچنین شرط دگر سازی جهان را در "اتحاد و آنهایی که فکر می‌کنند و لذا رنج می‌برند، با آنهایی که رنج می‌برند و لذا فکر می‌کنند" می‌دید.

مارکس، که زندگی پرشمر خود را در راه درک ژرف قوانین عینی تکامل تاریخ و سامان بخشی به مشی سیاسی پرولتاریا صرف کرد، براسستی بانویغ خود به یکی از پیوندگان بی‌همتای ستمی و شتاب بخشی به راه تکامل جامعه انسانی و آفرینش جهانی بهتر تبدیل شد.

لنین درباره آموزش مارکس، که بزرگترین انگیزه فکری و روحی برای کردار و پیکار انقلابی است، چنین می‌گوید: "آموزش مارکس بسی قدرتمند است زیرا حقیقت است. این آموزشی است کامل عیار و خوش پیوند که یک جهان بینی موزون را، که با خرافه و

فرستاد؛ زندگی به بهای خیانت! آزموده دست خالی بازگشت. روزه گفت: "اگر زنده ماندن مشروط به هتک حیثیت، تن دادن به پستی، گذشتن از آبرو، پانهادن بر سر عقاید و آرمانهای سیاسی و اجتماعی باشد، مرگ صدبار بر آن شرف دارد."

روز ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۷، صدای گامهای مطمئن او در سکوت سیبیده، سرود بی‌کلام رزم میلیونها مردمی بود که او را وجدان انقلابی خویش می‌دانستند. او در آن لحظه مظهر پایداری و تسلیم ناپذیری یک جنبش در برابر رژیم سرسپرده و چانور خوری شاه بود. او اجازه نداد چشمانش را ببندند: "من از مرگ نمی‌ترسم." در حالیکه چشم در چشم جلادان خود، آزموده، پختیار، مہصر، زیبائی، امجدی، دوخته بود، آمرانه گفت: "وظیفه من به پایان رسید." سپس

فریادش در میدان اوچ گرفت: زنده باد حزب توده ایران! زنده باد کمونیسم! آتش!

گلوله‌های سوزان سینه ستر خسرو روزه، قهرمان ملی و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران را سوراخ سوراخ کرد. اما صدای او خاموش نشد و هیچگاه خاموش نخواهد شد: "من به اقتضای آتشی که پخاطر خدمت به خلقهای ایران در درون سینه‌ام شعله می‌کشد، راه حزب توده ایران را هرگز ریزده‌ام و باید اذعان کنم که چانم، استخوانم، خونم، گوشتم، پوستم و همه تار و پود وجودم این راه را راه مقدسی شناخته است و تمام سلولهای بدن من و تمام ذرات وجودم توده‌ای است. من عاشق سوسیالیسم و عاشق صادق آن هستم."

قهرمانان زنده‌اند

قهرمانان همواره زنده‌اند

\*

### "نام او و آرمان او سده‌ها

### زنده خواهد ماند"

ف. انکلس

ویژگیهای دوران تاریخی نوین رژیمه‌اند و می‌رژمند.

پیکاری خستگی ناپذیر و ستایش برانگیز مارکس در راه تشکل و سازماندهی پیکار پرولتاریا برای همه رژیمندگان راه آزادی طبقه کارگر آموزنده و الهام بخش است. مراحل زندگی مارکس جز روایت بالندگی درخت تناور ایمان و عزم و پیکار جویی او نیست. او کوبی درباره مردان بزرگ انقلابی همطراز خود این سخنان زیر را نکاشته است، سخنانی که باید در صدف وجود رهروان راستین همواره پژواکی خاص یابد:

"من در سیر زندگی داشم‌به این نکته اعتقاد راسخ بیشتری یافته‌ام، که همه طبایع واقعا نیرومند، پس از آنکه در جاده انقلابی پای نهادند، حتی از شکست‌ها، بیوسته نیرو و قدرت تازه‌تری بدست می‌آورند و هر چه در سلاب تاریخ بیشتر شنا می‌کنند، قاطع‌تر و مصمم‌تر می‌شوند."

جاوید باد خاطره تا دانشمندان

راه آزادی استقلال

عدالت اجتماعی و صلح!

تصحیح و بوزش

در مقاله "پیرامون شعار چپه آزادی و صلح" در شماره ۲۰۵ در ستون اول صفحه ۵ سطر ۱۵ جمله "دهقانان ایرانی، که برای تحقق خواست‌های خود در انقلاب بهمین شرکت کردند و به این خواست‌های خود دست نیافتند"، سهوا "دست یافتند" چاپ شده است. همچنین در ستون دوم صفحه ۵ سطر ۱۲ بجای "می‌رانند"، کلمه "می‌دانند" بچاپ رسیده است. از خوانندگان گرامی بوزش می‌طلبیم.

\*



## خلق ماتنها...

در دیدارهای ما (با رهبران شوروی) تاکید گشت، که فلسطینی‌ها نیز باید، مانند اسرائیلی‌ها، از حق تعیین سرنوشت خود و تأسیس کشور مستقل خویش برخوردار باشند.

"الاتحاد": آیا بنظر شما، این مهم‌ترین محصول دیدارتان با میخائیل گابریلوف نیست؟

عرفات: چرا. تصمیم ما اینست، که از این راه مشترکاً برای دستیابی به صلح کوشش ورزیم.

"الاتحاد": نظر شما درباره آقای گابریلوف، بعنوان یک انسان، یک سیاستمدار، یک رهبر، چیست؟ تا کنون چندین بار با او ملاقات کرده‌اید.

عرفات: درست است، سه بار. شخصیت (گابریلوف)، سبک بیوی او و تئوریهایش را برای حل نه تنها مسائل داخلی اتحاد شوروی، بلکه همچنین معضلات بین‌المللی، بویژه مسائلی بس پیچیده، مثلاً در خاورمیانه، می‌ستایم.

بدون این بیویایی ممکن نبود درباره مسئله حیاتی، چون سلاح‌های هسته‌ای، به توافق رسید. این حکم همچنین شامل درگیریهای منطقه‌ای می‌شود. در پرتو چنین برخوردی است، که نه تنها درباره افغانستان توافق حاصل گشت، بلکه در راه حل مسائل نامیبیا، نیکاراگوئه و السالوادور هم فعالیت می‌شود.

اکنون هم وقت آن فرارسیده است، که به مسئله فلسطین بپردازیم.

بعقیده من، برای دستیابی به صلح به آدم شجاعی، چون او (گابریلوف) نیاز هست.

"الاتحاد": برسیم به سفر شولتز، وزیر خارجه ایالات متحده، به خاورمیانه. نظر شما درباره سیاست ایالات متحده درباره خاورمیانه چیست؟

عرفات: پاسخ روشن و رسمی به این پرسش بسیار دشوار است. چون طرح شولتز را از او دریافت نداشتیم، از دادن جواب رسمی معذورم. تنها می‌توانم به بیانیته‌ها و اظهارات آنها (آمریکائیان) استناد کنم. وقتی هدف آنها نفی "سازمان آزادی بخش فلسطین" باشد، جواب ما هم این خواهد بود، که "هرگونه امنیتی منتفی است".

وقتی آنها مردم فلسطین و حقوق آنها را منکر شوند، پاسخ ما این خواهد بود، که با نادیده انگاری فلسطینی‌ها، حقوق و نمایندگان آنها، نمی‌توان در خاورمیانه هیچ کاری از پیش برد.

وقتی که آنها با برگزاری کنفرانس بین‌المللی با اختیارات کامل مخالف هستند و تنها می‌خواهند گردهمایی تشریفاتی برپا کنند، به پرسش و شولتز چه می‌توان گفت؟ آیا اینها واقعاً تصور می‌کنند، که اتحاد شوروی و دیگر کشورهای بزرگ به چنین گردهمایی‌ای خواهند آمد و با امضای یک قرار داد، تضمین‌هایی را نیز بعهده خواهند گرفت؟

به این تناقضات چگونه می‌توان پاسخ گفت؟ آنها، از یکسو، از دولتهای بزرگ صلح، امنیت و تضمین امنیت را خواهند و از سوی دیگر، به آنها

می‌گویند: بیاوید و تنها امضا کنید! چه کسی می‌تواند چنین پیشنهادی را بپذیرد؟ اینها چیزی جز توهمات احمقانه نیست. چگونه می‌توان هم با تشکیل یک کشور مستقل فلسطینی مخالفت کرد و هم با حق تعیین سرنوشت فلسطینی‌ها بدست خود آنها؟ این حق مقدس خلق ماست. بعضی‌ها برای ۱۵۰۰ نفر ساکنان جزیره فالکلند حق تعیین سرنوشت خویش را قائل هستند، ولی حاضر نیستند این حق را برای پنج میلیون و نیم فلسطینی بپذیرند.

ما حق آن را داریم، که مثل دیگر انسانها زندگی کنیم، درباره سرنوشت خویش، خودتصمیم بگیریم و کشور مستقل خویش را تشکیل دهیم.

سئوالی را که از ایزر وایزمن کردم، دوباره تکرار می‌کنم: آیا او کشورهای دو ملیتی چون بلژیک، سوئیس یا کانادا را به رسمیت می‌شناسد؟

برای مسئله (فلسطین) باید راه حلی پیدا کرد. بیش از پنج ماه است، که بخش اعظم ارتش (اسرائیل) و فرماندهان آن به خیابانها ریخته‌اند. (اسرائیل) ناکی می‌خواهد به شیوه‌های ددمنشانه، ستمگرانه و فاشیستی خود ادامه دهد؛ اما که چیزی جز رعایت قوانین بین‌المللی رانمی‌خواهیم.

بگین و شارون زمانی فکر می‌کردند، با یک عملیات نظامی گسترده می‌توان "ساف" و وزیر ساختار فلسطین را نابود ساخت. اما می‌بینید، که خلق ما هنوز زنده است. می‌شود خیلی از فلسطینی‌ها را کشت، ولی نمی‌توان خلق فلسطین را از میان برداشت. حالا بار دیگر "داودی" دیگر، یعنی خلق فلسطین، در برابر "گولیاتی" (غولی) دیگر، یعنی رهبری نظامی اسرائیل، سر بر افراشته است.

"الاتحاد": موضع کشورهای عرب را در حال حاضر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

عرفات: نخست کمک کافی بماند. اما در هفته‌های اخیر وضع بهبود یافته است. هفده کشور عرب تصمیم گرفته‌اند، پس از پایان ماه رمضان کنفرانسی از سران این کشورها برای پشتیبانی از قیام مردم فلسطین برگزار کنند. در این میان، هم کمک مالی و هم پشتیبانی سیاسی این کشورها روبه افزایش بوده است. نماینده رسمی سوریه پس از آخرین دیدار با جورج شولتز ادامه پشتیبانی سوریه را از حق تعیین سرنوشت، تشکیل دولت مستقل فلسطینی، تدارک کنفرانس بین‌المللی صاحب اختیار و با شرکت یک هیئت نمایندگی مشترک اعراب و "ساف" اعلام داشت.

"الاتحاد": آیا مسئله یک هیئت نمایندگی مشترک اعراب در کنفرانس بین‌المللی در گفتگوهای شما با سران شوروی مطرح شد؟

عرفات: آری، این مسئله بخشی از گفتگوهای ما را تشکیل می‌داد.

"الاتحاد": در مصاحبه مطبوعاتی اخیر درباره مناسبات میان "ساف" و سوریه سؤال کردم. آیا بهبودی در این زمینه صورت گرفته است؟

عرفات: آری. با رهبری سوریه ارتباط هست. سوریه در کنفرانس سران کشورهای عرب برای پشتیبانی از قیام مردم فلسطین شرکت خواهد کرد. برادران الجزایری و دوستان شوروی مانیز در این زمینه از هیچ کمکی دریغ نمی‌ورزند.

"الاتحاد": به اسرائیل و مناطق اشغالی

برگردیم. البته می‌دانید، که دولت اسرائیل اخیراً می‌کوشند، تا در میان نیروهای دمکراتیک و صلح دوست در اسرائیل تفرقه بیاندازد و ساکنان فلسطینی اسرائیل را مغزوری و آنها را از نیروهای دمکراتیک بیهود جدا کند. در صورتیکه هم اینها و هم آنها خواستار دو دولت مستقل هستند. تحلیل شما چیست؟

عرفات: این بخشی از بازی آنهاست. البته آنها در گذشته نیز دست به چنین تلاشی زدند و ناموفق ماندند. حتی در دشوارترین لحظات، آنها نخواهند توانست، مردم ما را بترسانند.

"الاتحاد": در کنفرانس مطبوعاتی، که در اینجا داشتید، درباره ارزیابی‌تان از مبارزه نیروهای دمکراتیک اسرائیل علیه سیاست ددمنشانه اشغالگری دولت اسرائیل و برای پشتیبانی از قیام (مردم فلسطین) جویا شدم.

میل دارید، جواب خود را برای خوانندگان "الاتحاد" و "وهادوخ" تکمیل کنید؟

عرفات: بار دیگر می‌بگویم، بر ارزش والایی تاکید ورزیم، که برای استادگی گروههای دمکراتیک، مترقی و صلح دوست در برابر سیاست اشغالگری دولت اسرائیل، اعتراض به آن و تقبیح ددمنتی نیروهای اسرائیلی علیه مردم و کودکان فلسطینی قائل هستم. خواهش من این است که سیاست‌گذاری مرا به آنها ابلاغ کنید و بگوئید، که سرانجام در سرزمین صلح به صلح دست خواهیم یافت.

ما از مردم کشور شما بیخاطر بیکار دلیرانه‌شان بس سیاست‌گذاریم، زیرا که این مبارزه به خلق ما کمک می‌کند، تا خود را از بند نکبت بار اشغالگری آزاد سازند.

تا هنگامیکه مردم فلسطین اشغالگران را طرد نکرده، سرنوشت خود را بدست خویش نکرده و کشور مستقل خود را بنا نهاده‌اند، اسرائیل از هر گونه امنیت و آینده‌ای بدور خواهد بود.

دولت اسرائیل باید این واقعیت را درک کند، که نمی‌توان بر یک خلق برای همیشه ستم و ارباب روا داشت. قدرت طلبی خود پسندانه عاقبت خوشی ندارد. آتیلا کجاست؟ هیتر کجاست؟ شاهنشاهی ایران کجاست؟

رفتار رهبران اسرائیل نه تنها با منافع فلسطینی‌ها، بلکه همچنین با مصالح یهودیان مغایرت دارد. یهودیت، چون مسیحیت و اسلام، بخشی از فرهنگ، تمدن و میراث من است. سیاست احمقانه اسرائیل بویژه از آن رو نمی‌تواند، کامیاب باشد که مردم خواهان صلح هستند.

"الاتحاد": جناح راست در اسرائیل می‌گوید: "یا آنها یا ما". نظر شما چیست؟

عرفات: این شیوه برخورد ما نیست. ما گفته‌ایم، هر جا که اسرائیلی‌ها آنرا ترک کنند، حاضریم در آنجا کشور مستقل خویش را بنا نهیم. آنها چه می‌خواهند؟ ما در سده بیستم زندگی می‌کنیم. باید واقعیت را فهمید و با آن روبرو شد.

"الاتحاد": احساس شما پیش از ترک مسکو چیست؟

عرفات: آنچه در دوران اقامت من در اتحاد شوروی از همه بیشتر احساس مرا برانگیخته است، پشتیبانی صمیمانه و گرم مردم از مبارزه شجاعانه خلق فلسطین است. خلق ماتنها نیست.



## تصحیح و یوزش!

## اول ماه مه در جهان

خوانندگان گرامی، اینبار صحبت از یک غلط چاپی نیست. آنچه ما را در به یوزش خواهی و توضیح کرده یک سو تفاهم است، که از شیوه انجام انتخابات در شرایط "حاکمیت مطلقه" ولی فقیه ناشی شده است.

در مقاله شماره ۲۰۳ "نامه مردم" آمده بود که "در تهران تنها ۱۴ نفر توانستند با کسب آرا بیش از ۵۰ درصد رأی دهندگان به نمایندگی انتخاب شوند، در حالیکه ۲۰ نفر میبایستی انتخاب می شدند." هنگام نوشتن این مطلب هنوز شمار آرای رأی دهندگان و انتخاب شدگان بدست مانرسیده بود و ما چنین می پنداشتیم که طبق روال منطقی انتخاباتی بیشتر کشورهای جهان، در دور اول تنها کسانی انتخاب می شوند که حداقل آرا بیش از نیمی از رأی دهندگان را داشته باشند، یعنی اکثریت مطلق را بدست آورند. در دور دوم اکثریت نسبی معتبر است و با داشتن کمتر از ۵۰ درصد آرا هم می توان انتخاب شده بحساب آمد.

سپس هنگامیکه تعداد آرا چهارده تن انتخاب شده در دور اول "انتخابات" در تهران را بدست آوردیم، بی بردیم که از ۱۹۷۲ تا ۱۵۸۳ رأی معتبر قرائت شده، اکبر هاشمی بهرمانی (با نام مستعار علی اکبر هاشمی رفسنجانی!) ۱۶۵ تا ۱۲۰۳ رأی یعنی ۸۴ درصد و مهدی کزوبی ۲ تا ۶۱ درصد آرا را بدست آورده اند. از نفر سوم به بعد همه کمتر از پنجاه درصد آرا را داشتند. فخرالدین حجازی در جای سوم با ۶۴ درصد و محمد سلامتی در مقام چهاردهم تنها با ۷ تا ۲۲ درصد آرا به مجلس شورای اسلامی راه یافته بودند! پس آنچه که در مقاله "نامه مردم" آمده بود، بیگمان حاصل سو تفاهم و اشتباه بوده است. از مقایسه درصد آرا انتخاب شدگان بر ما روشن شد، که آخرین نفر اندکی بیش از ۱/۲ آرا داده شده (بجای ۲۲، ۲۲ درصد ۲۲، ۷ درصد) آرا را دارد. ولی این آئین نامه حیرت انگیز و غیر منطقی در دسترس ما نبود و نمی توانستیم آنرا بیابیم. بالاخره در "کیهان" یکشنبه ۲۱ فروردین جمله زیر را یافتیم: "به گزارش خبرنگار ما از وزارت کشور از مجموع رأی که تا ظهر امروز شارس شده، ۱۲ نفر اول لیست زیر بیش از یک سوم آرا را بدست آوردند".

معلوم شد که واقعا برای انتخاب شدن بعنوان نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی در دور اول، داشتن یک سوم آرا ریخته شده به صندوق کافی است! بحق این پرسش بمیان می آید، که چرا ۱۶ نفر بقیه راهم در همان دور اول تعیین نکرده اند و برای کاری که با وجود حاکمیت مطلقه "ولایت فقیه" علی الاصول معنا و مفهوم واقعی ندارد، هزینه های هنگفت برگزاری دور دوم انتخابات را در شرایط بمباران و موشک اندازی بگردن مردم کشوریکه در بزرگترین تنگنای اقتصادی در دوران اخیر تاریخ خود هستند، می گذارند؟ اگر داشتن اکثریت مطلق در دور اول لزومی ندارد، چرا در همان دور اول همه را با اکثریت نسبی تعیین نمی کنند؟

ضمناً در این بازی با اعداد، که گردانندگان انتخابات پیش گرفته اند، نکته دیگری نیز توجه

اول ماه مه، روز همبستگی رزمی کارگران جهان، در همه کشورهای سوسیالیستی همانند یک جشن همه خلقی برگزار شد. در کشورهای سرمایه داری نیز میلیونها انسان زحمتکش روز اول ماه مه را با شادی و عزم راسخ برای مبارزه در راه عدالت اجتماعی جشن گرفتند، گرچه در برخی کشورها مانند جمهوری آفریقای جنوبی با تهدیدهای خشونت آمیز پلیس روبرو بودند و در کشورهای دیگر مانند ترکیه و فلسطین اشغالی به بهای دادن قربانی توانستند از روز اول ماه مه بیاد کنند.

صلح و خلع سلاح شعار مشترک کارگران در کشورهای سوسیالیستی و بسیاری کشورهای سرمایه داری مشترک بود. در عین حال در هر کشوری، مسائلی نیز که زحمتکشان آن کشور در شرایط حاضر با آن روبرو هستند مطرح بود، چرا که روز اول ماه مه، برای زحمتکشان نه تنها روز جشن که روز رزم و عمل نیز هست.

مسکو، پایتخت نخستین کشور سوسیالیستی جهان با شادی بهاری روز همبستگی بین المللی کارگران را جشن گرفت. صدها هزار تن از زحمتکشان مسکو در تظاهرات باشکوه "میدان سرخ" شرکت کردند. هوای بهاری مسکو با روحیه بهاری زحمتکشان در آستانه برگزاری نوزدهمین کنفرانس سراسری حزب کمونیست اتحاد شوروی انطباق کامل داشت. اینک زندگی روزمره در اتحاد شوروی با مفاهیم پر محتوای دگرگون سازی، علنیت و دمکراسی پیوند ناگستنی دارد. بهسازیهای بنیادین در اقتصاد ملی تحقق می پذیرد.

در تظاهرات باشکوه در ورشو و دیگر شهرهای لهستان، علیرغم فتنه انگیزیهای خبرگزاریهای امپریالیستی برای برانگیختن بی نظمی، برنامه بهسازی و نوسازی سوسیالیستی مورد پشتیبانی زحمتکشان قرار گرفت. زحمتکشان چکسلواکی در براتسلاوا و دیگر شهرهای بزرگ و کوچک اراده راسخ خود را برای تحقق سیاست حزب در

ما را جلب کرد. گفته شد که اینبار حدود ۱۶ میلیون رأی به صندوقها ریخته شده که در مقایسه با دوره قبل (چهار سال پیش) یک میلیون افزایش نشان می دهد. ولی این واقعیت را نادیده گرفته اند، که طی این چهار سال بیش از ۷ میلیون تن به جمعیت ایران و در حدود ۵ میلیون تن بر تعداد رأی دهندگان افزوده شده است.

ضمناً اگر گفته های خمینی دروغ نباشد، که اهالی تهران وقتی بمب و موشک بر سرشان فرو می ریزد می زنند زیر خنده و سپس با آرامش به کار خود ادامه می دهند و کسی تهران را ترک نکرده است. پس تهران ۸ میلیونی باید حدود ۴ میلیون رأی دهنده داشته باشد. اگر درصد آرای انتخاب شدگان را نسبت به مجموعه کسانی، که حق رأی دارند، حساب کنیم معلوم می شود، اکبر بهرمانی (با نام مستعار رفسنجانی) برگزیده ۲۲، ۷ درصد و آقای سلامتی برگزیده ۱۲، ۲ درصد رأی دهندگان تهرانی است!

آیا باز هم وزیر کشور این خیمه شب بازی را "بهترین انتخابات جهان" خواهد نامید؟

زمینه بازسازی ایران داشتند. در برلین پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان ۷۵۰ هزار تن در راهپیمایی باشکوه اول ماه مه شرکت کردند. در بلغارستان امسال جشن اول ماه مه، بصورت جشن های کوچک همه خلقی در همه شهرها و روستاها، در همه پارکها و گردشگاهها با برنامه های بسیار متنوع برگزار شد. در بوداپست، بخارست، هاوانا، اولان باتور، پکن و هانوی، در همه شهرها و روستاهای کشورهای سوسیالیستی زحمتکشان همانند یک تن واحد در جشن همبستگی رزمی زحمتکشان سراسر جهان شرکت داشتند.

زحمتکشان ایتالیا با شعارهایی در زمینه عدالت اجتماعی، امنیت شغلی و تحکیم اتحادیه های کارگری در تظاهرات و نمایشهای همبستگی شرکت جستند. در آلمان غربی تظاهرات اول ماه مه زیر شعار مبارزه با بیکاری برگزار شد. در تظاهرات چندین هزار نفره وین نیز با بیکاران ابراز همبستگی شد.

در ایالات متحده آمریکا، راهپیمایی طولانی "عدالت اجتماعی" که از چهارم آوریل آغاز شده بود، در آستانه اول ماه مه به شهر آنلاندا رسید.

تظاهرات وسیع توده ای در هلند، آتن، پاریس، لندن، مادرید، توکیو، دهلی، هاره و بسیاری پایتخت های دیگر در پنج قاره کره زمین برگزار شد.



به برنامه های

رادیوی زحمتکشان ایران

گوش فرادهد!

هم میهنان عزیز! کارگران و زحمتکشان! رادیو زحمتکشان ایران بانک رسا و زبان بی بند و آزاد توده های رنجبر میهن ماست. به برنامه های رادیوی زحمتکشان ایران گوش فرادهد و شنیدن آن را به دوستان و آشنایان خود توصیه کنید.

رادیوی زحمتکشان ایران هر شب در ساعت ۱۹ بمدت یکساعت روی امواج کوتاه، ردف ۲۸ متر (۱۰۸۷۰ کیلو هرتز)، ۴۹ متر (۶۲۲۰ کیلو هرتز)، و ۶۰ متر (۴۷۷۵ کیلو هرتز) برنامه پخش می کند. این برنامه در ساعت ۲۰ همانروز ۶ صبح روز بعد تکرار می شود.

برای رادیوی زحمتکشان ایران به آدرس زیر نامه بنویسید:

P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

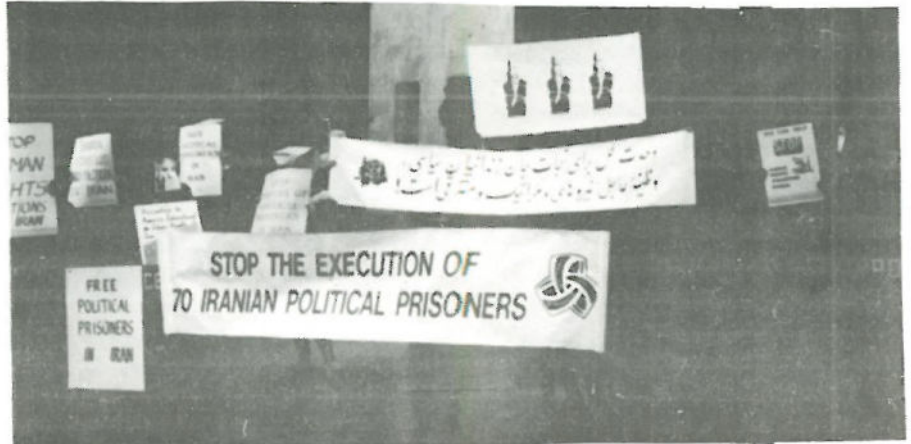
نابود باد جنگ،  
زنده باد صلح!



## اعتراض به تدارك اعدام زندانیان سیاسی

چندی پیش از سوی "سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران" ("ادبی") تظاهراتی در اعتراض به تأیید احکام اعدام نزدیک به هفتاد تن از زندانیان سیاسی، در برابر ساختمان سازمان ملل متحد در نیویورک برگزار گردید. در این تظاهرات هواداران "ادبی"، حزب توده ایران و "تشکیلات دمکراتیک زنان

فلسطین"، "سازمان زنان برای برابری نژادی و اقتصادی" و هواداران "جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین" نیز قرار گرفت. یک ایستگاه رادیویی مترقی در نیویورک در رابطه با تنفیذ احکام اعدام نزدیک به ۷۰ زندانی سیاسی یک برنامه نیم ساعته پخش کرد. ضمن تظاهرات امضای زیادی روی



ایران"، "کمیته همبستگی با مردم ایران"، "اتحاد دمکراتیک عراقیها در آمریکا و کانادا"، "جامعه دانشجویان عراقی در آمریکا و کانادا"، "حزب کمونیست آمریکا"، "سازمان جوانان کمونیست آمریکا" وعده ای از ایرانیان مترقی مقیم نیویورک شرکت کردند. این تظاهرات مورد پشتیبانی "شورای صلح آمریکا"، "سازمان جوانان دمکرات

کارت های اعتراضی خطاب به رئیس جمهور و رئیس مجلس ایران جمع آوری شد، که در آنها ضمن اعتراض به صدور خودسرانه احکام اعدام، تشکیل دادگاه عادلانه بر پایه اصول و موازین شناخته شده بین المللی و اجازه دادن به یک هیئت بیطرف از حقوق دانان بین المللی برای دیدار زندانیان سیاسی ایران خواسته شده است.

## نقض حقوق سندیکایی در ایران در کمیسیون حقوق بشر مطرح شد

چندی پیش نماینده "فدراسیون سندیکایی جهانی" در "کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد" گزارشی در چهل و چهارمین نشست این کمیسیون ارائه داشت.

در این گزارش، از جمله، به نقض حقوق سندیکایی در ایران اشاره شده است.

در گزارش نامبرده می خوانیم: "فدراسیون سندیکایی جهانی" همچنین نگرانی خود را از وخامت اوضاع در ایران ابراز می دارد. این کمیسیون و کنفرانس های بین المللی کار بارها این کشور را بخاطر نقض قرارداد (منع

کار اجباری و تبعیض (اشتغال) تقبیح کرده اند. قانون گزاری کار در این کشور، که نهادهای قرون وسطایی را احیا ساخته است، فرآورده هفتادسال بیکارکارگران رانادیده می انگارد.

برای نمونه، "شوراهای اسلامی کار" مانع از آن می شوند، که کارگران نمایندگان خود را آزادانه انتخاب کنند و به تأسیس سندیکاهای کارگری مستقل دست زنند. این شوراهای با پیش گرفتن سیاست همکاری طبقاتی، سبب می شوند، که کارگران از حقوق خویش بی بهره بمانند.

## تظاهرات ضد جنگ در اسپانیا

که ایرانیها و عراقیها با ماسکهای ضد گازی، که به گونه ای سمبولیک به چهره زده بودند، در تظاهرات شرکت کرده بودند.

چندین سازمان مترقی و مذهبی از تظاهرات ایرانیان و عراقیها علیه جنگ پشتیبانی کردند.

خبر تظاهرات از رادیوهای "ناسیونال"، "یز"، "پوپلاد"، "کادنا" و "تیرس" پخش شد.

چندی پیش هواداران حزب ما در اسپانیا همراه با هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و نیز رفقای عراقی و اسپانیایی تظاهرات ایستاده ای در جلوی دفتر "حقوق بشر" در مادرید سازمان دادند. این نمایش، که بخاطر اعتراض به ادامه جنگ، "جنگ شرها"، جنگ شیمیایی و کشتار مردم بی دفاع دو کشور صورت گرفت، توجه عابران را بخود جلب کرد - بخصوص

## خلق ماتنها نیست

در زیر متن مصاحبه ای از نظر خوانندگان "نامه مردم" می گذرد، که زهاوی، خبرنگار "الاتحاد" (نشریه عربی زبان حزب کمونیست اسرائیل) در اتحاد شوروی، با یاسر عرفات، پس از دیدارش با رفیق میخائیل گارباجف بعمل آورد.

"الاتحاد": از این مصاحبه، که دومین مصاحبه روزنامه ما با شاست، بسیار خوشحالم.

عرفات: دومین مصاحبه نیست. پیش از این چند مصاحبه تلفنی نیز با ما شد. علاوه بر این، روزنامه شما چندی پیش تلگرام من در اعتراض به توقیف "الاتحاد" و ابراز همبستگی ام را با این نشریه منتشر ساخت.

"الاتحاد": برداشت شما از دیدار با آقای گارباجف و دیگر رهبران شوروی چیست؟

عرفات: پس از گامهای مثبتی که، درباره افغانستان برداشته شد و قراردادی، که سه باچار روز دیگر به امضا خواهد رسید، توجه دوستان شوروی ماروزبیره رفیق گارباجف به دیگر کانونهای تنش در جهان بخصوص در خاورمیانه، معطوف گشته است.

ما اکنون با نمونه خیلی خوبی روبرو هستیم. حل مسئله بسیار پیچیده افغانستان باعث تشویق ابر قدرتها، بویژه کشور دوست ما، اتحاد شوروی، شده است. از این رو، فراخواندن یک کنفرانس بین المللی برای دستیابی به صلحی فراگیر و عادلانه اهمیتی فراوان می یابد. این کنفرانس باید هر چه زودتر، با نظارت سازمان ملل و شرکت پنج عضو دائمی شورای امنیت و همه طرفهای ذینفع از جمله "سازمان آزادی بخش فلسطین"، برگزار شود.

بقیه در ص ۶

### کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

حساب بانکی ما:  
Sweden  
Stockholm  
Sparbanken Stockholm  
N: 040012650  
Dr. John Takman

### کمکهای مالی رسیده:

کک به خانواده های زندانیان سیاسی از  
برلین غربی ۱۰۰۰ مارک  
از سوی بخشی از رفقای برلین غربی ۱۵۰  
مارک

<p>NAMEH MARDOM NO: 206</p>	<p>آدرس پستی: P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden</p>
<p>10 May 1988</p>	

## جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است